



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

د مولانا سعيد افغاني د سولې او تفاهم، نشراتي ارگان

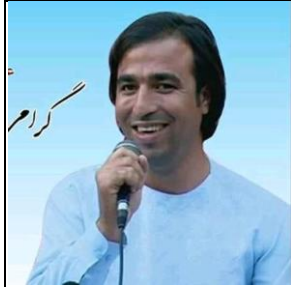
www.said-afghani.org

آزاده، ټولنيزه، علمي، فرهنگي او نشراتي ارگان



Dr.Said Afghani

د مولانا سعيد افغاني : آزاده ، ټولنيزه ، علمي ، فرهنگي او نشراتي ارگان ته ښه راغلاست!



همایون « عزیزى »

تاریخ نشر : 21 دسمبر 2018 م

سردى زمستان

خدایا ! زیر بار برف و بارانم تو می فهمی !
اسیر دست سرمای زمستانم تو می فهمی !

برای جستجوی آب و نان کودکان خویش
به روی جاده‌ها دایم پریشانم تو می فهمی!

شب و روزم به دل‌تنگی و درد و خسته گی طی شد
در اندوه خودم دلگیر و حیرانم تو می فهمی !

خدایا ! اضطراب عالمات بر دوش من بار است
و من مجموعه‌ای اندوه انسانم تو می فهمی

پدر وقتی به روی من سیلی ناامیدی زد
من از آنروز حسرت‌گشته‌ی نامم تو می فهمی

گلویم بغض تنهایی گرفته ای خدای من !
غرورم ضعف بینایی گرفته ای خدای من !

خدایا درد تنهایی مرا خون جگر کرده
خدایا ضعف بینایی مرا خون جگر کرده

من از بی مهوری دست پدر بی‌خانه گردیدم
به دشت بی کسی مجنون شدم، دیوانه گردیدم

تو میدانی خدایا معنی دلتنگی من را
تو میدانی سکوت خونی این کور کودن را

تو میدانی که بغض آتشین بر دوش من بار است
تو میدانی که خواب و خلوتم اندوه و آوار است

تو میدانی خدایا معنی آه و فغانم را
تو میدانی سرود مرگبار کودکانم را

تو میدانی که آهنگ زمستان سخت دلگیر است
تو میدانی که اندوه و غم نان سخت دلگیر است

من از دنیای دلگیری خدایا خسته‌ام دیگر
من از این حسرت پیرت، خدایا خسته‌ام دیگر

همایون « عزیزى »

بازگشت به صفحه اصلی - www.said-afghani.org